

نگاهی به تفکر استعاره‌ی محی الدین عربی در فص اولِ فصوص الحکم

حسین یزدانی^۱، سهیلا صادقی^۲

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران

۲- دانشجوی دکتری پیام نور تهران

چکیده

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) نگاه کلاسیک درباره استعاره را به چالش کشیدند. آنها مطرح کردند که استعاره‌های زبانی فقط ظهور سطحی استعاره‌های مفهومی اند و استعاره تنها به حوزه‌ی زبان محدود نیست بلکه سراسر زندگی روزمره را در بر گرفته است. برپایه‌ی این نظریه استعاره، عنصری بنیادین در مقوله‌بندی و درک انسان از جهان خارج و نیز در فرآیند اندیشیدن است. استعاره‌های مفهومی، با تصویری کردن مفاهیم ذهنی، امور انتزاعی را بر پایه‌ی امور عینی قابل درک می‌کنند. استعاره‌های مفهومی در زبان عرفانی، نیز کاربرد وسیعی دارند چرا که محتوای عرفان، مبتنی بر مسائلی ذهنی و فرا مادی است که لازمه‌ی ادراک آن جسمی و تصویری کردن این مفاهیم است. پژوهش حاضر با نگاهی به کتاب پر ارزش فصوص الحکم اثر محی الدین عربی به بررسی فص حکمت الهیه فی کلمه آدمیه، می‌پردازد تا به کشف الگوی ذهنی مولف در اندیشه و بیان مسایل مربوط به انسان کامل و حضرت حق نائل گردد. با بررسی ایم دو حوزه‌ی مفهومی، که اساس فص اول فصوص الحکم را تشکیل می‌دهد، و با ترسیم تناظرهای این دو حوزه، می‌توان گفت در اندیشه‌ی محی الدین عربی هر دو ماهیت، در هم تنیده شده‌اند. به عبارتی خوانش این متن؛ استعاره‌ی «انسان، خداست» را فعال می‌کند. در واقع در این نگرش؛ جهان، انسان و خداوند درهم ادغام شده‌اند. طبق سنت فرهنگی مشرق زمین، همیشه عاشق/انسان کامل، با اشیاء و جهان به اتحاد و پیوند می‌رسد. این پیوند و یکی شدگی در سراسر فصوص الحکم خود را رخ می‌کشد. اتفاقی که به اثری چون فصوص الحکم که ماهیتی فلسفی - عرفانی دارد، ماهیتی شاعرانه و سیال می‌دهد.

کلمات کلیدی: محی الدین عربی، فصوص الحکم، فص اول، استعاره‌های مفهومی